

«سیدعلی حسینی خامنه‌ای» بدون هیچ تردیدی چهره آرمانی ایران، اسلام و تشیع است | جمعیتی که در روزهای گذشته در ایران اعتراض کردند به یک دهم یک درصد جمعیت ایران هم نرسید.

۱۰۰ درصد جمعیت ایران محب اهل بیت است!



اکثریت قاطع جامعه ایران انقلابی است و غیرانقلابی‌ها در اقلیت محض به سر می‌برند، شاید ۹۹ درصد در برابر یک درصد.

به گزارش اسپادانا خبر، روزنامه کیهان در یادداشتی نوشت:

اکثریت و اقلیت دو مفهوم روشن هستند و برای نشان دادن آن راهی جز استناد ریاضی وجود ندارد. این دو مفهوم به‌خصوص در جوامعی که به‌طور قطعی حکومت اکثریت پذیرفته شده موضوعیت بیشتری دارد. از منظر سیاسی «اکثریت توده‌ای» و «اکثریت نخبه‌ای» داریم. اکثریت توده‌ای یک مفهوم روشن است که از جمله در انتخابات‌ها بروز و ظهور دارد یعنی در انتخابات، اکثریت کنشگر و اقلیت غیرفعال معلوم می‌شود ولی در مورد اکثریت نخبگان موضوع چندان قابل ارزیابی نیست و آنان که از اقلیت و اکثریت نخبگان صحبت می‌کنند نوعاً نگاه به افراد فعال در رسانه‌ها، احزاب و دانشگاه‌ها دارند و حال آنکه نخبگی به این موقعیت‌ها محدود نمی‌باشد.

یک اکثریت و اقلیت فرهنگی و اجتماعی هم داریم. اکثریت فرهنگی در اختیار گروهی است که بیش از گروه مقابل آن معرف ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی مورد پذیرش اکثریت جامعه است. اکثریت و اقلیت اجتماعی هم در اختیار گروهی است که در طیف اکثریت جامعه نفوذ و حضور بیشتری دارد. اگر اکثریت جامعه را طبقه متوسط و به عبارتی دهک‌های میانی تشکیل دهد اکثریت اجتماعی را گروهی دارد که به این طیف تعلق بیشتری دارد و هکذا اگر اکثریت جامعه را طبقه نسبتاً محروم و به عبارتی دهک‌های پایین جامعه تشکیل دهند، کسانی که با این طبقه پیوند و پیوستگی بیشتری داشته باشد اکثریت اجتماعی را تشکیل می‌دهد.

در فضای جمهوری اسلامی اکثریت و اقلیت با فاصله زیاد وجود دارد. در بعد سیاسی، اکثریت جامعه ایران را علاقه‌مندان به کنشگری تشکیل می‌دهند. شرکت در انتخابات و همه‌پرسی‌ها در ایران در طول این حدود ۴۴ سال با مشارکت ۵۲ تا ۹۸ درصد توأم بوده است، این یعنی اکثریت سیاسی در چارچوب نظام موجود کنشگری دارند. این کنشگری سیاسی البته در شرایط مختلف اجتماعی یا اقتصادی نوسان هم داشته است ولی در اصل اینکه اکثریت مردم ایران در چارچوب نظام موجود به کنشگری سیاسی می‌پردازند تردیدی نیست. در این میان در متن انتخابات، آرای مردم میان نخبگان کنشگر تقسیم می‌شود و بسته به اینکه کدام نخبه یا طیف نخبگی به مطلوب مردم در زمان خاص نزدیک‌تر باشد از پشتیبانی اکثریت کنشگر بهره‌مند می‌گردد.

نگاهی به آمار نزدیک به هم انتخابات ریاست‌جمهوری سال‌های ۱۳۷۶، ۱۳۸۰، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۶ و رأی رئیس‌جمهور منتخب هر کدام از این انتخابات‌ها نشان می‌دهد اکثریت کنشگر، بازی در چارچوب نظام سیاسی را پذیرفته و صبغه جناحی آن موقتی و گذراست. یک نکته دیگر در کنشگری سیاسی فاصله آراء در انتخابات‌هاست. مشارکت ۵۰/۶۶ درصدی مردم در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۷۲ و ۷۹/۹۲ درصدی در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۷۶ و هکذا مشارکت ۸۵ درصدی در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۸۸ و مشارکت ۴۸/۸ درصدی در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ نشانه این است که یک کف و سقف کنشگری سیاسی وجود دارد. ما در مقایسه مشارکت مردم در سال ۱۳۷۲ با ۱۳۷۶ یک جمعیت ۲۹ درصدی داریم که در یک انتخابات کنشگر بوده و در یک انتخابات منفعل بوده است که اینک در مقایسه مشارکت مردم در سال ۱۳۸۸ با ۱۴۰۰ یک جمعیت ۳۶ درصدی از این نوع را داریم. این بیانگر آن است که ما یک کنشگری حتمی سیاسی و یک کنشگری شرطی سیاسی داریم و از آنجا که این عدد مشارکت در انتخابات‌های چهل سال اخیر نوسان داشته است به‌طور قطع ارتباطی با ایدئولوژی و بنیان‌های نظام سیاسی ندارد چرا که بنیان‌ها در انتخابات‌ها متفاوت نبوده است.

در یک زمان، عده‌ای راه افتادند تا رأی مردم را به سمت ایدئولوژی‌های فرانظام سوق داده و مصادره نمایند. آنان افزایش ۲۹ درصدی مشارکت انتخابات ۱۳۷۶ نسبت به انتخابات ۱۳۷۲ و افزایش حدود ده میلیون نفر به آرای رئیس‌جمهور منتخب ۷۶ را یک رنسانس و تحول بنیادی معرفی می‌کردند! یکی از مشایخ این جریان به آقای سیدمحمد خاتمی گفته بود «این رأی، رأی به آزادی بود و این یعنی مردم دیگر شعارهای اصولگرایانه و دین‌مدارانه را قبول ندارند!» این در حالی بود که ۹ سال پس از آن شاهد رأی ۸۵ درصدی مردم یعنی حتی پنج درصد بیشتر به طیف مقابل جریان موسوم به دوم خردادی بودیم بنابراین واضح است که ما درصدی مشارکت شرطی داریم که در مقابل ایدئولوژی نظام نبوده و به ادبیات شخصیت‌ها و گروه‌های سیاسی ربط پیدا می‌کند.

ما یک اکثریت و اقلیت انقلابی هم داریم. اگر انقلابی بودن را محافظه‌کار نبودن، ایستا نبودن، دیندار بودن، برکار بودن، کم‌توقع بودن، مردمی بودن، ضد نظام سلطه بودن، ضد فساد بودن و مسائلی از این قبیل بدانیم، بدون شک اکثریت قاطع و بلکه به عبارتی همه جامعه ایران انقلابی است و غیرانقلابی‌ها در اقلیت محض به سر می‌برند. شاید بتوانیم ۹۹ درصد در برابر یک درصد بدانیم. ما یک اکثریت و اقلیت ارزشی هم داریم. پیام‌های دینی مهم‌ترین عناصر و محورهای ارزش‌های جامعه ماست و یکی از آن‌ها حجاب است. به اعتبار پاسداری چند هزار ساله ایرانیان - از دوره‌ای که تاریخ در ایران ثبت شده است یعنی دوره هخامنشیان، اشکانیان تا امروز - از حجاب و عفاف در این مرز و بوم حفاظت شده است. تصاویر نقش‌بسته زنان ایرانی بر کتیبه‌ها و سنگ‌نوشته‌های تخت جمشید بیانگر اهمیتی است که ایرانیان در طول تاریخ به مقوله عفاف و حجاب داده‌اند کما اینکه اصل خداپاوری، توحید، نیایش، اتصال به ارواح مطهره همواره از ارزش‌های قطعی جامعه ایران بوده است. شرکت کامل ایرانیان اعم از مسلمان و غیرمسلمان در مراسم و مناسک دینی و به‌خصوص مراسم مرتبط با خاندان پیامبر اکرم صلوات‌[علیه‌وآله از محوریت این ارزش‌ها حکایت می‌کند بنابراین واضح است که ما یک اکثریت ارزشی داریم که عدد آن از ۹۰ درصد هم بیشتر است و یک اقلیت بسیار محدود که نسبتی با ارزش‌ها ندارند.

ما یک اکثریت و اقلیت «ایران‌باور» هم داریم؛ اکثریتی که معتقد به شأن تمدنی و حکومت جهانی برای ایرانیان است. این اکثریت تمدنی هم بیش از ۹۰ درصد جمعیت را شامل می‌شود و یک اقلیت بسیار کوچک که تحت تأثیر القانات خارجی می‌باشد معتقد به یک ایران کوچک و در خودخزیده است. خب این اکثریت تمدنی همیشه و در طول صدها سال تاریخ ایران، حساسیت‌های درستی علیه سیطره بیگانگان بر ایران داشته است. بعضی این حساسیت را یکسره متوجه موضوعات خاص مثل جنگ اسلام و نظام شاهنشاهی ایران می‌کنند و البته در این خصوص هم آدرس غلط می‌دهند. در حالی که مردم ایران همین الان نسبت به سیطره و سلطه غرب بر ایران حساسیت شدید دارند و آخرین نظرسنجی آمریکایی‌ها که مؤسسه «پیو» انجام داد می‌گوید در حالی که ۷۶ درصد مردم ایران نسبت به عملکرد دولت - حسن روحانی - ناراضی هستند، ۸۶ درصد ایرانی‌ها از نقش منطقه‌ای کشورشان حمایت می‌کنند. این هم یک اکثریت و یک اقلیت.

ما یک اقلیت و یک اکثریت «ملی» هم داریم. ایران ترکیبی از اقوام مختلف عمیقاً ایرانی است؛ ترک‌ها، لر‌ها، کردها، تاجیک‌ها، عرب‌ها، ترکمان‌ها، بلوچ‌ها و... چند هزاره با هم ایران را تشکیل داده و از آن حراست کرده‌اند و در طول هزاران سال، جزو و مدهای سیاسی در دل تمام ایران باقی مانده‌اند. این اقوام هیچ‌گاه با هم نجنگیده‌اند و به‌طور یکپارچه در صدها جنگ در مقابل طرف خارجی ایستاده‌اند.

ما یک اقلیت و اکثریت «مذهبی» هم داریم. تشیع و محبت اهل‌بیت علیهم‌السلام در ایران یک موضوع اساسی است. اینکه در جریان راهپیمایی و زیارت اربعین «حب‌الحسین یجمعنا» می‌گوییم در ایران حب اهل‌بیت به هیچ وجه موضوعی اختلافی و دوگانه‌ساز نیست. اگر نزدیک به ۹۰ درصد جمعیت ایران شیعه است ۱۰۰ درصد جمعیت در ایران محب اهل‌بیت پیامبر اسلام (ص) است و لذا این جمعیت با هرآنچه که با عزت‌مندی تشیع و محبان اهل‌بیت پیامبر اکرم ناخوان باشد مرزبندی و جبهه خواهد داشت.

یک اکثریت و اقلیت هم از حیث بصیرت و نگرش سیاسی داریم. اکثریت مردم «امنیت» را وجه اصلی زندگی اجتماعی خود می‌دانند و صدالبته این اختصاص به ملت ایران ندارد ولی دید تمدنی ایرانیان، این عنصر را در میان ایرانیان پررنگ‌تر کرده است. ممکن است اقلیتی بسیار اندک به هم خوردن شرایط امنیتی موجود را برای خود یک موقعیت به حساب آورد. در این روند، اقدامات ناخوان امنیتی به‌طور خیلی طبیعی از سوی اکثریت قاطع جامعه ایران دفع می‌شود و این مانع آن می‌شود که مطالبات ساختارشکن بتواند به سادگی جایگاهی در روند جامعه پیدا کند. در همین اغتشاشات اخیر علی‌رغم ولن‌نگاری فضای مجازی و خویشنداری حکومت از مواجهه شدید با آشوبگران براساس گزارش‌های معتبر متعدد جمعیتی که در طول این حدود ۱۲ روز در شهرهای مختلف ایران وارد صحنه‌های اعتراضی شد، به یک دهم یک درصد جمعیت ایران هم نرسید.

ما یک اکثریت و اقلیت هم در موضوع «رهبری» داریم. ایران هم‌اکنون تحت اداره یک فقیه، متکلم، ادیب، متفکر، زاهد، بصیر، مفسر قرآن و سنت، محدث، به‌شدت مردمی، مدیر و مسلط به امور سیاسی و قادر به مدیریت مسائل سخت جهانی قرار دارد. این رهبری - به جز در مورد حضرت امام خمینی که چهره استثنایی تاریخ ایران است - از نظر خصوصیتی که ذکر شد، با هیچ‌کدام از رهبران ۱۰۰۰ ساله گذشته ایران قابل مقایسه نیست. در مواردی که ذکر شد، با هیچ‌کدام از رهبران معاصر دنیا هم قابل مقایسه نیست لذا این رهبری برای این مردم جنبه آرمانی دارد و به‌خصوص انتساب ایشان به خاندان پیامبر (ص) و اتصال ایشان به اهل‌بیت هم بر خصوصیات ویژه او افزوده است. «سیدعلی حسینی خامنه‌ای» بدون هیچ تردیدی، چهره آرمانی ایران، اسلام و تشیع است. شرکت انبوه و میلیونی مردم مؤمن تهران در نمازهای جمعه و نمازهای عید فطری که از جمله در همین سال‌های اخیر توسط ایشان اقامه گردید، درجه بسیار بالای محبت توده‌های مردم را به ایشان نشان می‌دهد. اعتراف دشمنان به نراحت اقتصادی و مالی ایشان هم حقیقت وجودی ایشان را در «حدیث دیگران» بیان می‌کند. دقیقاً به همین دلیل بود که قبل از اغتشاشات اخیر، دشمنان خارجی و عوامل داخلی آن از رهبری شروع کردند و با قریب‌الوقوع معرفی کردن

خروج امام خامنه‌ای از صحنه و بحث جانشینی، وانمود کردند که ایران وارد دوره‌ای می‌شود که خورشید در آن غروب کرده است. در واقع همین شیطنت بدخواهانه هم اعتراف به عظمت رهبری و در اکثریت کامل بودن هواداران ایشان است پس انقلاب ما و نظام منبعث از آن، از چند جهت در کانون هواداران و جانفشانان اکثریتی خود قرار دارد و اقلیت‌نمایی دشمنان از ایران نمی‌تواند حقیقت را دگرگون کند.

برچسب‌ها: [رهبر انقلاب](#) [1]

[اعتراض](#) [2]

[حقوق شهروندی](#) [3]

[حجاب](#) [4]